

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

فرستنده : علی کاظمی

۱۰/۰۹/۲۵

ایران در هفته‌ای که گذشت

جمعه ۲ مهر ماه [میزان]

تهدیدات توخالی نمایندگان مجلس

این واقعیت از مدت‌ها پیش آشکار شده است که طبقه حاکم بر ایران، دیگر نمی‌تواند به شیوه گذشته بر مردم حکومت کند، و راهی که برای غلبه بر بحران قدرت در پیش گرفته است، تمرکز تمام قوای حکومت در قوه اجرائی است. در چنین شرایطی معمولاً فردی که در رأس این قوه اجرائی قرار می‌گیرد، باید تمام مختصات یک شارلاتان سیاسی را در خود جمع داشته باشد و بتواند تمام ابزارهای عوام‌فریبی را در خدمت انجام وظیفه‌ای که برای نجات نظم موجود بر عهده دارد، به کار گیرد. تمام جار و جنجال بر سر ایران‌پرستی و نبش قبر کورش هم ابزاری در خدمت همین هدف است.

در هفته‌ای که گذشت در حالی که جار و جنجال فرکسیون‌های طبقه حاکم، بر سر اسلام‌گرایی و ایران‌گرایی، بالا گرفته بود و طرفداران احمدی‌نژاد در تلاش برای تقویت موضع خود و جذب گرایش‌های ناسیونالیستی، طبل ایران‌پرستی را به صدا در آورده بودند و احمدی‌نژاد را "کورش زمانه" می‌نامیدند، اتفاق ظاهراً جدیدی رخ داد. این اتفاق گویا برای نمایندگان مجلس ارتجاع چنان تازگی داشت که چرت آن‌ها را پاره کرد و سراسیمه از آن‌چه که رخ داده بود به وحشت افتادند. اما در حقیقت، اتفاق جدیدی رخ نداده بود، آن‌چه را که احمدی‌نژاد تاکنون در عمل پیش برده بود، اکنون رسماً در گفتار خود اعلام می‌کرد.

او در یک گفتگوی طولانی با روزنامه ایران، به صراحت اعلام کرده بود که جمهوری اسلامی در شرایط موجود، راه دیگری در پیش ندارد، جز این که تمام قدرت در قوه اجرائی و در دست رئیس جمهوری متمرکز باشد و دورانی که مجلس به اصطلاح در رأس امور بود، سپری شده است.

احمدی‌نژاد گفت: "بعضی‌ها فکر می‌کنند که دولت یک موجود بی‌اختیار است و دولت هیچ کاره است. این اشتباه است. بعضی‌ها هم استقلال قوا را فقط برای قوه مقننه و قوه قضائیه می‌خواهند. اتفاقاً قوه مجریه، قوه اول کشور است. بعضی‌ها یک جمله حضرت امام را متعلق به زمانی که نظام ما پارلمانی بوده، برجسته می‌کنند، آن زمان

رئیس جمهور مسئول اداره کشور نبوده، بلکه نخست‌وزیر مسئول اداره کشور بوده که از طریق مجلس انتخاب می‌شده است. آن موقع مجلس بالاترین بود. اکنون در قانون اساسی، قوه مجریه بار اصلی اداره کشور را بر دوش دارد و قوای دیگر باید کمکش کنند. ضمن این که در قوه مجریه، جایگاهی است به نام ریاست جمهوری که علاوه بر رئیس جمهور، رئیس دولت است، بعد از رهبری بالاترین مقام کشور است. مجری قانون اساسی است. این دیگر ربطی به تفکیک قوا ندارد. سایر قوا هم اگر بخواهند کاری انجام دهند، مسئول‌اش رئیس جمهوری است. احمدی‌نژاد، دیگر چیزی را پوشیده نگذاشته است. قوه مجریه، قوه اول کشور است. حرف‌های خمینی مربوط به دورانی است که زمانش سپری شده است. کاری که برای قوای دیگر باقی مانده است، باید به قوه اجرایی کمک کنند و یا به عبارت صریح‌تر، زائده قوه اجرایی باشند. اگر هم بخواهند کاری انجام دهند، تحت مسئولیت رئیس جمهوری است.

تا وقتی که احمدی‌نژاد به آنچه که اکنون می‌گوید، عمل می‌کرد، برای فراقسیون‌های رقیب وی، به ویژه در مجلس، ظاهری تحقیرآمیز به خود نمی‌گرفت. برای آن‌ها مهم حفظ نظام است و تا این جا به رغم تضادها و اختلافات‌شان، به احمدی‌نژاد برای پیشبرد سیاستش کمک کردند. اما اکنون در قبال این تحقیر علنی، خود را ناگزیر به واکنش می‌دیدند. ولوله‌ای در میان مجلسیان به راه افتاد که بالاخره باید کاری کرد و پاسخی به احمدی‌نژاد داد. اما از نهادی که در طول تمام دوران موجودیت‌اش جز ابزاری بی‌اختیار در خدمت استبداد حاکم چیزی نبوده است، چه کاری جز تهدیدات توخالی ساخته است؟

باهنر، نایب رئیس پیشین مجلس گفت: سخنان احمدی‌نژاد، بیش‌تر توهّمات است. هیچ مقامی نمی‌تواند مجلس را منحل و یا جایگزینی برای آن تعیین کند. مجلس می‌تواند بحث عدم کفایت رئیس جمهور را طرح کند. واقعاً، توپ توخالی است. مجلس ارتجاع کی چنین قدرتی داشته که حالا داشته باشد. این مجلس نبود که زمانی بنی‌صدر را برکنار کرد، بلکه اجرای دستور خمینی توسط این مجلس بی‌اختیار بود. مجلسی که خود می‌پذیرد و افتخار می‌کند گوش به فرمان یک دیکتاتور مطلق‌العنان به نام ولی فقیه است، بیش از آن بازیچه و ابزار است که بتواند از قدرت خود سخن بگوید.

رئیس مجلس ارتجاع هم چیزی در چنته نداشت، جز این که در اصفهان بگوید: این روزها در کشور از مکتب ایرانی صحبت می‌شود که بی‌معناست. یک زمان هم راجع به کورش گفته می‌شود که جای پیامبر و سخن علی را گرفته است. و حالا هم می‌گویند مجلس در رأس امور نیست که واقعی نیست.

حداد، رئیس پیشین مجلس هم وعده داد که باید تا چهارم مهر که تعطیلات مجلس به پایان می‌رسد، صبر کرد و آن وقت به حساب احمدی‌نژاد رسید. در این میان، مطهری و توکلی لااقل پذیرفتند که مجلس فعلاً در رأس امور نیست. توکلی گفت: "اگر مجلس در واقع امر بخواهد تفوق خود را حفظ کند باید شرایطی داشته باشد که متأسفانه بعضی از آن شرایط را از دست داده است." مطهری، صریح‌تر به بیان همین مسأله پرداخت و توضیح داد که شاید "نظر رئیس جمهور از بیان این سخنان، این بوده باشد که مجلس فعلی در رأس امور نیست چرا که عملکردش را به گونه‌ای انجام داده که به وظایف نظارتی‌اش درست عمل نکرده است و در بسیاری از زمان‌ها که باید از رئیس جمهور سؤال می‌کرده و از ابزارهای قانونی برای نظارت در امور اجرایی و جلوگیری از تخلفات و اختلافات استفاده می‌کرده... این کار را نکرده است. اگر نظر رئیس جمهور این بوده است که مجلس فعلی بدین گونه عمل کرده که در رأس امور نیست، شاید این حرف درست باشد و من نیز آن را قبول داشته باشم."

البته، مستثنا از این که در یک نظام استبدادی مذهبی، مجلس همواره ابزار بی‌اختیاری در دست ولی فقیه است، مسئله بی‌اختیاری مجلس و تمرکز روز افزون قدرت در دست قوه اجرائی، از آن‌رو در اوضاع کنونی برجسته شده است و امثال مطهری می‌پذیرند که به گفته وی، مجلس نمی‌تواند به وظایف خود عمل کند، دقیقاً به علت بحران‌های همه جانبه‌ای است که جمهوری اسلامی با آن روبروست و از همین رو، طبقه حاکم، در تلاش است با تقویت قوه اجرائی، لااقل بحران قدرت را به نفع خود حل کند. در این شرایط، قاعدتاً از مجلس و نمایندگان آن برای حفظ موقعیت خود کاری ساخته نیست. رقبای احمدی‌نژاد می‌گویند، اکنون در تدارک اقداماتی برای افسار زدن بر احمدی‌نژاد و نجات مجلس‌شان هستند. مطهری افزود: اکنون برخی نمایندگان در حال مشورت برای انجام اقدامات قانونی هستند. همین قدر بگویم که می‌خواهند به وظایف قانونی خودشان عمل کنند.

اما پیشاپیش روشن است که تهدیدات آن‌ها بولوف است و کاری از دست‌شان ساخته نیست. آن‌ها فاقد این قدرت‌اند که احمدی‌نژاد را برکنار کنند، چرا که قبل از آن باید از خامنه‌ای اجازه بگیرند که اصلاً چنین مسئله‌ای را در دستور کار قرار بدهند یا نه! خامنه‌ای هم چند روز پیش پاسخ‌شان را داده است. آن‌جائی که در جمع مرتجعین مجلس خبرگان گفت: باز هم از دولت دفاع می‌کنم.

بنابر این روشن است که تهدیدات آن‌ها حرف‌هائیست بدون پشتوانه عملی. بعید است که آن‌ها حتا بتوانند احمدی‌نژاد را مورد سؤال قرار دهند، چون از آن بیم دارند که خود این مسئله به وضعیتی منجر گردد که به تعطیل و انحلال مجلس بیانجامد و از امتیازات‌شان نیز محروم گردند.

جنایتکاران جنگی

سران سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی در دوران جنگ ۸ ساله دولت‌های ایران و عراق، جنایتکار جنگی‌اند و بالاخره مردم ایران روزی آن‌ها را به اتهام برافروختن و ادامه جنگ و فجایع بی‌شماری که این جنگ در پی داشت، به پای میز محاکمه خواهند کشید.

در این هفته، سران جمهوری اسلامی، برای تقدیس جنگ، کشتار و ویرانی ۸ ساله و نشان دادن قدرت رزمی و آمادگی نظامی خود در جنگی جدید که هر روز نعره آن را سر می‌دهند، واحدهای نظامی و سلاح‌ها پیشرفته خود را به نمایش گذاشتند.

۳۰ سال از آغاز رسمی جنگی که در ابعادی وسیع ۸ سال بی‌وقفه ادامه داشت، سپری گردید. صدها هزار تن از مردم ایران و عراق در این جنگ جان باختند. این جنگ، ملیون‌ها انسان معلول بر جای گذاشت. آوارگی مردم، ابعاد ملیونی به خود گرفت. تمام هست و نیست این مردم بر باد رفت. خسارات جنگ دو کشور، سر به یک و نیم تریلیون دلار زد. خرابی‌های چنان گسترده‌ای به بار آورد که پس از گذشت بیش از دو دهه از پذیرش آتش‌بس، هنوز پابرجا مانده‌اند.

جمهوری اسلامی، سال‌ها این دروغ بزرگ را تکرار کرده است که در برافروختن و ادامه این جنگ نقشی نداشته و به جنگی تدافعی و تحمیلی روی آورده است.

واقعیت امر که اکنون پس از گذشت ۳۰ سال بر بخش بزرگی از مردم ایران نیز روشن شده است، در این است که جنگ دولت‌های ایران و عراق، مثل هر جنگ دیگری که دولت‌های ارتجاعی برمی‌افروزند، یک جنگ ارتجاعی برخاسته از سیاست‌های ارتجاعی و توسعه‌طلبانه دو دولتی بود که یکی توسعه‌طلبی و هژمونی‌طلبی ناسیونالیستی عربی و دیگری اسلامی را دنبال می‌کرد. رژیم عراق ادعاهای مرزی و اختلافات مرزی را علم کرد بود و تلاش

می‌کرد قرارداد الجزایر را به نفع خود بر هم زند و علاوه بر این، نقش ژاندارمی شاه را در منطقه بر عهده گیرد، رژیم جمهوری اسلامی هم در تلاش برای سرنگونی رژیم صدام، با سازماندهی گروه‌های اسلام‌گرای طرفدار خود و استقرار یک حکومت اسلامی در عراق بود. خمینی بر این عقیده بود که این نخستین گام برای رسیدن به لبنان و فلسطین و سرنگونی رژیم اسرائیل است. این سیاست توسعه‌طلبانه دو دولت ایران و عراق، جبراً به جنگ می‌انجامید. از همین روست که تضادها و درگیری‌های دو دولت مدام شدت گرفت، تا جایی که درگیری‌های مسلحانه در مناطق مرزی روز به روز افزایش یافت.

این زد و خوردهای نظامی مرزی، مقدمه‌ای بود برای یک جنگ نظامی گسترده که در ۳۱ شهریور ماه با حمله سراسری نیروهای عراقی و بمباران فرودگاه‌ها و برخی مراکز نظامی و اقتصادی آغاز گردید. اما مردمی که هنوز به ماهیت جنگ پی نبرده بودند و نمی‌دانستند که جنگ، نتیجه و برآمده از سیاست‌های این هر دو دولت ارتجاعی‌ست، وقتی به این حقیقت پی بردند که پس از رانده شدن نیروهای عراقی به مرزهای پیشین، پس از گذشت یک سال و چند ماه از آغاز جنگ، از خمینی می‌شنوند که جنگ را باید تا سرنگونی صدام ادامه داد و شعار راه قدس از کربلا و عراق می‌گذرد به میان کشیده می‌شود.

جمهوری اسلامی به رغم مخالفت اکثریت بزرگ مردم ایران با ادامه جنگ، به این جنگ ادامه می‌دهد. دفاع عراقی‌ها در درون خاک کشورشان، باعث می‌شود که بیش‌ترین تلفات به سربازان و مردم ایران در این دوره وارد آید. صدها هزار تن از مردم ایران قربانی اهداف جنون‌آمیز جمهوری اسلامی برای فتح عراق شدند. چرا که هر حمله نیروهای نظامی ایران برای فتح بصره با هزاران کشته و معلول همراه بود.

شهرهای ایران مورد حملات موشکی قرار گرفت و ده‌ها هزار تن، تنها به علت اصابت موشک‌ها جان باختند و معلول شدند. جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ بی‌ثمری که ۷ سال دیگر ادامه یافت، حتا از جان کودکان کم سن و سال هم نگذشت و آن‌ها را به عنوان مین‌روب، در میدان‌های مین‌گذاری شده به کار گرفت و کشتار کرد. نفرت مردم از ادامه جنگ مدام افزایش می‌یافت. جمهوری اسلامی برای جلوگیری از ترک جبهه توسط سربازان و فریب افراد ناآگاه به کثیف‌ترین شیوه‌های فریب و تحمیق متوسل گردید. شکلهای نورانی امام زمان را در جبهه‌ها به راه انداخت که پیام ادامه جنگ و بهشت در جهانی دیگر باشد. اما تمام این فجایع برای فتح عراق کارساز نیفتاد. لحظه‌ای فرا رسید که دیگر سربازی برای رفتن به جبهه‌ها یافت نمی‌شد. پی در پی، شکست و عقب‌نشینی واحدهای نظامی جمهوری اسلامی بود. منابع اقتصادی و مالی کاملاً ته کشیده بود. اعتراضات مردم به ادامه جنگ، کشتار، فقر، بیکاری، گرانی و ویرانی، اشکال علنی به خود می‌گرفت. در این جا بود که رژیم جمهوری اسلامی از سر یأس و ناامیدی و نجات خود، قطعنامه‌ای را که ۷ سال پیش با دریافت غرامت نپذیرفته بود، اکنون بدون دریافت هیچ گونه غرامتی پذیرا شد و خمینی این جنایتکار بزرگ، جام زهر را سر کشید. جنگ، بدون انعقاد قرارداد صلح، ظاهراً پایان گرفت. اما پرونده این جنگ از دیدگاه توده‌های مردم ایران مفتوح است. مردم ایران جنایات فجیع جنگ را فراموش نمی‌کنند. تمام سران و فرماندهان جمهوری اسلامی که در برافروختن و ادامه این جنگ نقش داشته‌اند، جنایتکار جنگی‌اند و باید در پیشگاه مردم ایران به جرم جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی به محاکمه کشیده شوند.

توطئه علیه مردم کردستان

روز چهارشنبه این هفته، در حالی که نیروهای نظامی رژیم در مه‌باد مشغول رژه نظامی سالانه هفته جنگ بودند، یک بمب در نزدیکی جایگاه مقامات رژیم منفجر گردید که طبق اخباری که تاکنون از سوی جمهوری اسلامی

انتشار یافته، ۱۲ تن کشته و متجاوز از ۴۰ تن مصدوم و مجروح شده‌اند. گزارشات رژیم حاکم است که کشته‌شدگان همگی زن هستند و وابسته به فرماندهان نظامی.

استاندار آذربایجان غربی در گفتگو با شبکه خبر گفت که این انفجار در مراسم رژه نیروهای مسلح، روبروی جایگاه و در میان زنانی که در آنجا حضور داشتند، رخ داده و همه کشته و زخمی‌ها، زن هستند. وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در مصاحبه روز پنجشنبه خود "استکبار" را عامل این انفجار معرفی کرد و افزود: "مجموعه‌ای که این حرکت را انجام داده، توسط سربازان گمنام امام زمان شناسایی شده‌اند."

تمام آنچه که در جریان این انفجار رخ داده، سؤال برانگیز است و از هم اکنون انگشت اتهام به سوی خود رژیم و عوامل آن نشانه رفته است. آن‌گونه که مقامات رژیم گزارش کرده‌اند، این انفجار بر اثر یک ساک پر از بمب در میان زنان فرماندهان نظامی رخ داده است. اولاً، این سؤال مطرح است که چگونه ممکن است در کردستان، جایی که رژیم و عوامل آن از سایه خود نیز می‌ترسند و همواره شدیدترین اقدامات امنیتی را به مرحله اجرا درآورده‌اند، آن هم در روزی که می‌خواهد قدرت نظامی خود را به رخ مردم بکشد، می‌تواند یک بمب قوی در ۵۰ متری جایگاه مقامات سیاسی و فرماندهان نظامی رژیم منفجر گردد و هیچ کنترلی در کار نبوده باشد. ثانیاً، بر طبق این گزارش، بمب در میان زنان فرماندهان نظامی منفجر شده است. بنابراین باید آن‌ها جایگاه مجزا و مراقبت شده‌ای داشته باشند که به سادگی کسی نمی‌توانسته خارج از خود آن‌ها، وارد محل تجمع‌شان گردد. ثالثاً، بمب در یک ساک جای داشته و با حاکم بودن تمام اقدامات امنیتی و جایگاه ویژه و مجزای زنان و اعضای خانواده فرماندهان نظامی ممکن نیست که فردی از بیرون، این ساک پر از بمب را بیاورد و در میان آن‌ها بگذارد. این شواهد به وضوح نشان می‌دهند که اگر ماقوع، آن‌گونه که رژیم، خبر و گزارش آن را منتشر ساخته، بوده باشد، اقدامی ست از سوی خود رژیم و عوامل آن.

علاوه بر تمام این فاکت‌ها، وقتی که رژیم خبر این انفجار را انتشار داد، روشن بود که این اقدام از سوی سازمان‌های سیاسی محلی کردستان انجام نگرفته است. چرا که هر سازمان سیاسی که هدف‌های عادلانه و مردمی را دنبال می‌کند، حتا وقتی که با یک رژیم ضد مردمی مبارزه مسلحانه می‌کند، همواره در نظر دارد که اقدامات نظامی به مردم غیر نظامی آسیبی وارد نیاورد. از این‌رو در مراکز عمومی بمب‌گذاری نمی‌شود. به رغم این که قضیه از همان آغاز روشن بود، با این وجود سازمان‌های سیاسی کرد مخالف جمهوری اسلامی، با صدور اطلاعیه‌هایی نه فقط هر گونه رابطه‌ای با این انفجار را تکذیب کردند، بلکه آن را به عنوان یک اقدام تروریستی محکوم نمودند.

بنابراین تردیدی نیست که این اقدام از درون خود رژیم انجام گرفته است. دو شق نیز می‌توان برای اهداف آن در نظر گرفت. فرض نخست که البته احتمال آن نیز بسیار ضعیف می‌باشد، این است که قدرت‌های رقیب منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی که معمولاً از طریق سازمان‌های جاسوسی‌شان عوامل نفوذی در دستگاه‌های مختلف رژیم دارند، از طریق عوامل خود در درون دستگاه‌های رژیم، این اقدام را انجام داده باشند. چون چنین اقداماتی جزئی از تاکتیک‌های ایدئولوژیک آن‌ها علیه یکدیگر است. اما احتمال قوی‌تر آن است که این یک نقشه و اقدام طراحی شده و آگاهانه از سوی دستگاه‌های امنیتی - پلیسی و نظامی، برای تشدید اقدامات سرکوب‌گرانه علیه مردم کردستان باشد. توده‌های مردم کردستان، از همان نخستین روزی که جمهوری اسلامی در ایران بر سر کار آمد و مطالبات آن‌ها را پایمال کرد، مخالف رژیم بوده‌اند. میلیتاریزه کردن کردستان و تمام اقدامات سرکوب‌گرانه علیه مردم کردستان نیز نتوانست آن‌ها را از مقاومت و مبارزه برای تحقق مطالبات‌شان بازدارد.

چند ماه پیش که جمهوری اسلامی، چهار تن از مردم کردستان را اعدام کرد، با اعتصاب عمومی مردم، در اعتراض به این اقدام وحشیانه روبرو شد. سران رژیم از آن پس برای انتقام‌گیری از این ضربه‌ای که خورده است، به انحاء مختلف، فشار علیه مردم کردستان را تشدید کردند. اکنون نیز این احتمال بسیار قوی است که تمام ماجرای انفجار بمب روز چهارشنبه در مهاباد، توطئه جدید رژیم علیه مردم کردستان باشد.